



حماسه حسینی

■ سید اکبر میرجعفری

اشاره:

نگاهی به ادوار شعر فارسی نشان می‌دهد، در هر دوره به فراخور موضوع و محتوای شعر قالب یا قالبهای خاصی مورد اقبال شاعران قرار می‌گرفته است. چنان که در دوره سبک خراسانی به تناسب شعر مدحی «قصیده» بیش از دیگر قالبها مورد توجه قرار می‌گیرد. یا در دوره سبک عراقی «غزل» قالب مطرح شعر فارسی است. در دوره انقلاب اسلامی همان طور که می‌دانیم بعضی از قالبهای شعری دوباره احیا شدند. یکی از این قالبها «رباعی» است. این قالب به دلیل ظرفیتهای ویژه‌اش تا مدت‌ها پایه‌پای قالب «غزل» جلوه‌گاه تجلی اندیشه و احساس شاعران این دوره بوده است.

حسن حسینی از شاعرانی است که نسبت به هم‌نسلان خود سهم بیشتری در احیای این قالب داشته است. از این شاعر تاکنون دو مجموعه منتشر شده است و قطعاً آثار منتشر نشده این شاعر در آینده در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. مجموعه اول که «همصدا با حلق اسماعیل» نام دارد در فروردین سال 1363 به همت حوزه هنری به زیور طبع آراسته شده است. مجموعه شعر دیگر این شاعر «گنجشک و جبرئیل» است که بیشتر شعرهای عاشورایی این شاعر را در بر می‌گیرد که البته در این کتاب نیز در چند شعر به موضوع شهید و شهادت پرداخته است. در اینجا با نگاهی اجمالی به این دو مجموعه به بررسی شعر این شاعر فقید می‌پردازیم.

موضوع و محتوا:

حسن حسینی مانند دیگر شاعران دفاع مقدس، شاعری متعهد است، به همین دلیل موضوع و محتوا در شعر وی در درجه اول اهمیت قرار دارد. نگاهی به کتاب «همصدا با حلق اسماعیل» نشان می‌دهد درصد بسیار زیادی از اشعار آن درباره دفاع مقدس، انقلاب و شخصیت‌های آن سروده شده‌اند. در اینجا به بعضی از موضوعاتی در شعر حسن حسینی به آن پرداخته شده است اشاره می‌کنیم:

1) شهید و شهادت

شهید و شهادت از موضوعات محوری شعر حسینی است. مهم‌ترین نکته‌ای در پرداختن به این موضوع به چشم می‌خورد نگاه دینی و عرفانی وی به این موضوع است.

هر چند شاخه‌های ز طوفان شکسته‌اند
هر چند شعله‌های به ظاهر افسرده‌اند
روزی خوران سفره عشق‌اند تا ابد
ای زندگان خاک مگوئید مرده‌اند

در این ابیات بهره‌گیری از مضمون قرآنی «زنده بودن شهدای راه خدا» به چشم می‌خورد. در جاهای دیگر برای توصیف شهید از فرهنگ صوفیانه و عارفانه ادب فارسی بهره گرفته است و شهدای را همچون عارفان و سالکان می‌بیند که در راه معشوق از هیچ چیز دریغ نمی‌کنند.

آیین خانقاه شهدای عشق
صف عارفان غزل‌خوان عشق
چه جانانه چرخ جنون می‌زنند
دف عشق با چرخ خون می‌زنند
سر عارفان سرفشان دیدشان
که از خون دل خرقة بخشیدشان

در نگاه حسینی به شهید و شهادت کمتر موضوع سوگ مطرح می‌شود و عموماً شهادت در کلام وی رنگ حماسه به خود می‌گیرد. حماسه‌ای که بی‌هراس از مرگ آن را به سخره می‌گیرد.

کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت

با زخم نشان سرفرازي نگرفت
زين پيش دلاورا كسي چون تو شگفت
حيثيت مرگ را به بازي نگرفت

2) رزمندگان و نگاه حماسي

ستابيش از دلاوريهاي رزمندگان جبهههاي جنگ از ديگر موضوعات شعر حسيني است. رزمندگان در بيان وي دلير مرداني‌اند كه از مرگ هراسي به دل راه نمي‌دهند و از رخوت و سستي به دورند. ستيز با ظلمت و بشارت طراوت و اميد از ويژگيهاي رزمندگان در كلام زنده‌باد حسيني است:

اين طرفه مرداني كه خصم خوف و خواب‌اند
به حلق ظلمت خنجر تيز شهاب‌اند
بر خاك مي‌غلتنند و گل مي‌رويد از خاك
روح بهاران شوكت باران و آب‌اند
خصم شب تار و پاسدار سحرند
شيران حریم بيشه‌زار سحرند
با حنجره‌شان سرود سرخ فلق است
فرياد بلند آبشار سحرند

3) تجلي فرهنگ عاشورا

حسن حسيني شاعري شيعي است و انقلاب و جنگ را نهضتي مي‌داند كه ادامه‌دهنده راه امام حسين (ع) است. از اين منظر نگاه وي به وقايع انقلاب برگرفته از فرهنگ غني عاشورا است. وي رزمندگان را پاوراني مي‌داند كه به نداي «هل من ناصر» سيدالشهدا پاسخ گفته‌اند:

ديروزت اگر رو به قتال آورديم
در پاسخ تو زبان لال آورديم
امروز به خيمه‌گاه آن دعوت ناب
صد علقمه لبك زلال آورديم
لب تشنه‌ام از سپيده آيم بدهيد
جامي ز زلال آفتابم بدهيد
من پرسش سوزان حسينم ياران!
با حنجر عشق جوايم بدهيد

تلفيق فرهنگ عاشورا با انگيزه‌هاي ميهني و دفاع از كيان خود جايگاه ويژه‌اي در شعرهاي حسن حسيني به خود اختصاص داده است.

ساختار

همان‌طور كه گفته شد حسيني شاعري است كه بر مبناي تعهد ديني و مذهبي خود شعر مي‌گويد. براي چنين كسي بيان رسالت خويش بر ساختار و فرم سخن ارجحيت دارد. بنا بر اين وي تعصب خاصي در گزينش قالب و ساختار ندارد. وي در قالبهاي مختلفي چون غزل، رباعي، و نو اشعاري را عرضه کرده است. غزل حسيني با توجه به شرايط و روزگار سرايش آنها، تغيير چنداني نسبت به غزل گذشته ندارد ولي گاه به لحاظ شكل تعداد ابيات آن از تعداد معمول تجاوز کرده است. اما در عين حال غزل پنج بيتي نيز در آثار وي ديده مي‌شود. آنچه غزل وي را نسبت به غزل پيش از خود متمايز کرده است، محتوا و مضامين آن است. در واقع غزلهاي حسيني (به جز چند مورد) ستايش معشوق نيستند، بلكه توصيف وقايع و اشخاصي است كه بالاتر و والاتر از افراد اين روزگارند. اما حجم قابل توجه اشعار حسيني را رباعيات وي اشغال کرده است، قالب رباعي كه از قالبهاي احيا شده دوره انقلاب است، سهم بسزايي را در شعر دوره انقلاب به خود اختصاص داده است. اين قالب معمولاً مسير مشخصي را براي طرح و القاي موضوع به خواننده طي مي‌كند. به نظر مي‌رسد هر رباعي اين قالب از سه قسمت «مقدمه و طرح موضوع»، «توضيح» و «نتيجه‌گيري» تشكيل مي‌شود. بيشتر رباعيات موفق از چنين فرم و ساختاري بهره برده‌اند. حسيني به خوبي از عهده اين فرم برآمده است. نمونه‌هاي موفق در رباعيات سيدحسن حسيني كم نيست.

همواره دلم لبالب از ياد تو باد
خورشيد شيم نام سحرزاد تو باد
حاشا كه به جز حرف تو حرفي بزنم
اين حنجره ارزاني فرياد تو باد

اين قالب به زعم همه ظرفيتها، در آثار حسن حسيني بيشتر رنگ حماسه به خود گرفته است. البته رباعيهاي عرفاني حسيني نيز كم نيست.

آنان كه زبان عشق را مي‌دانند
لبسته سرود عاشقي مي‌خوانند
با رفتنشان ترنم آمدن است

خورشید غروب کرده را می‌مانند

شعرهای نو حسن حسینی که درباره دفاع مقدس سروده شده است، از فرمی ابتدایی برخوردار است. در این اشعار مضمون و محتوا بار اصلی شعر را به دوش می‌کشند و شاعر تلاش چندانی برای ارائه مضمون در فرم ساختاری قابل قبول از خود ارائه نمی‌دهد.

دلا دیدی آن عاشقان را
جهانی رهایی در آوازشان بود
و در بند حتی
شرمگین از شکوفایی شوق پروازشان بود..

زبان

با نگاهی اجمالی به شعرهای حسن حسینی که در سالهای اولیه انقلاب به چاپ رسیده‌اند، به روشنی درمی‌یابیم تمایز آشکاری با شعر شاعران پیش از خود داشته است. وی جزء شاعرانی است که تأثیر بسزایی در حوزه زبان - بر شعر هم‌نسلان خود داشته است.

شعر حسینی شعری صریح است. این صراحت در بیشتر موارد به شعار می‌انجامد. به همین دلیل گاه در يك غزل يك تعبیر شاعرانه در کنار ترکیبات شعاری دیگر نشسته است.

این طرفه‌مردانی که خصم خوف و خوابند
بر حلق ظلمت خنجر تیغ شهباند...
جوشنده رودی پاک از سرچشمه حلق
سوی «لقاءالله» جاری باشتابند

چنین خصیصه‌ای باعث شده است شعرهای وی در حوزه عاطفی نیز دچار آسیب شود و در واقع حس واحدی را القاء نکند. از سوی دیگر استفاده از کلماتی که برگرفته از فرهنگ شیعی است اگر چه به شعر وی هویتی فرهنگی می‌بخشد، به دلیل غیر شاعرانه بودن این کلمات، از نظر زبانی شعر را با معضل مواجه کرده است.

گفتنی است همین نوع کاربرد لغات در شعرهای بعدی حسینی صلابت بیشتری به خود می‌گیرد و شعر را از ورطه شعار رهایی می‌بخشد.

مقایسه شعرهای نو و سنتی حسینی با یکدیگر نشان می‌دهد وی برای انتخاب لغات تفاوت چندانی بین این قالبها قائل نیست. به همین جهت در نوسروده‌های حسینی نیز کلمه‌ها و ترکیبات شعاری به چشم می‌خورد.

حسینی به جز غزل و مثنوی، به رباعی توجه ویژه‌ای کرده است؛ به همین دلیل بخش عمده‌ای از شعرهای وی را رباعی تشکیل می‌دهد. نکته‌ای که در رباعیهای حسینی به چشم می‌خورد روحیه حماسی آنهاست با مقایسه حسینی با رباعی‌سرایان هم نسل خود به نظر می‌رسد از نظر زبانی تمایز چندانی با دیگران ندارد. این ویژگی شاید به ظرفیتهای خاص رباعی برمی‌گردد. از ویژگیهای رباعیات این دوره، زبان مشترکی است که در اغلب آنها به چشم می‌خورد؛ به این معنی که نمی‌توان زبان رباعیات این دوره را مختص شاعری خاص دانست. برای مثال اگر بخواهیم رباعیات حسن حسینی و قیصر امین‌پور را از نظر زبانی تفکیک کنیم توفیق چندانی نمی‌یابیم. شاید دلیل این امر استفاده شاعران از قافیه‌ها و ردیفهای مشترک در این قالب باشد. استفاده از ردیف و قافیه مشترک (و گاه مضمون مشترک) کمابیش زبان اشعار را به هم نزدیک می‌کند، به ویژه اگر شاعران آنها در يك فضا تنفس کنند زبان شعر بیش از پیش به هم شبیه می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی